

جلوی آسانسور و ایستاده بود و با پاهاش روی زمین ضرب گرفته بود تام گفته بود تو ساختمونه و میاد پیشش

در واقع تا یه طبقه ای پایگاه اجازه ی ورود داشت

صدای آسانسور به خودش آورد و وقتی تام از اتاق بیرون اومد بی تکیش رو از دیوار گرفت و درست زمانی که تام جلوش و ایستاد بی معطلی صورتش رو گرفت و با جلو کشیدنش شروع به بوسیدن لب هاش کرد

چشمای گرد دیلان کم کم بسته شدن و با حلقه کردن دستاش دور گردن تام همراهیش کرد اما هیچکدوم متوجه ی الپرنی که از پله ها بالا اومد نشدن وقتی تو پاگرد طبقه رسید با دیدن دو نفری که همو میبوسیدن نیشخندی زد

الپرن : مکان کم دارین؟

وقتی سر دختر کج شد و چهره ی دیلان مشخص شد حرف توی دهنش خشک شد

"دیلان و تام"

لباشو روی هم فشار داد و نفس آروم اما محکمی کشید نگاهشو گرفت و با تکون دادن سرش از پله ها بالا رفت

“ بد بازی رو شروع کردی دیلان ، بازی خیلی بد”

در حالی که هنوز انگشتاشو روی لب هاش میکشید وارد اتاق شد بوسه ای که با تام داشت خیلی طولانی تر از بوسه هایی بود که با الپرن تجربه کرده بود اما تنها ذره ای هم باعث نشده بود لب هاش اون حس رو فراموش کنن یه لحظه با خودش فکر کرد قدرت لب های تام چقدر کمتر از لب های الپرن بود

سرشو تکون داد و مسیری که به میزش میرسید و حفظ بود رو طی کرد

کریس : هی دیلان ... دیر کردی ؟

جوابی نداد و سمت میزش رفت ذهنش به قدری درگیر یه پسر و یه دختر بود که نمیتونست به چیز دیگه ای توجه کنه

سرش پایین بود و برخلاف میلش ذهنش در حال مقایسه ی دو بوسه ی اخیرش بود که محکم به کسی خورد

با اخم سرشو بالا برد و لب باز کرد تا به کسی که فکر میکرد کریشه فهش بده اما با دیدن الپرن لب هاش بهم چسبیدن و فقط بهش خیره موند

نگاه الپرن روی صورت و چشماش چرخید، از نگاهش حس خوبی نگرفت نه حس بد مثل نگاهای هیز مرد و زنی که روی بدن هرکس ممکن بود بچرخه حس بد انگار الپرن ازش شاکیه و داره بهش میفهمونه بابت چیزی ناراحته اما الپرن زمان تجزیه و تحلیل بهش نداد

وقتی که نیشخند زد و به چشمای دیلان خیره شد توی صورت دیلان خم شد

الپرن : اینقدر بوسه ی اول صبحی دوست پسرت گیجت کرده دیلان جان ؟

به خوبی طعنه ی توی کلام الپرن رو حس کرد اما بدترین چیزی که حس کرد حس بدی بود که از دونستن و دیدن الپرن گرفت

حالا بیشتر معنی نگاه الپرن رو میفهمید

اون دیده بودتش اونم در شرایطی که دیشب پشش زده بود و امروز در حال بوسیدن تام بوده اما مطمئن نبود که این چیزی باشه که بخاطرش به الپرن جواب پس بده به چشمای الپرن خیره شد

دیلان : دوست پسر مه ... نمیتونم ببوسمش ؟

الپرن چینی به سمت پایین به لب هاش داد و با تکون کوچیکی شوتشو بالا داد

الپرن : دوست پسر خودته و تو هم اختیار خودت داری

و با نگاه سرد و بی حسی از کنارش رد شد و سمت رز رفت کفس کلافه ای کشید و برای آروم کردن خودش چشماشو بست

"بیخیالش دیلان میخواد رو اعصابت بره " !

قلم : لونا

جنایت کار

سمت میزش رفت و با حرص روی صندلیش نشست

اسکین 98